

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی کتاب عربی زبان قرآن پایه دهم مشترک همه رشته‌ها (به غیر از رشته ادبیات و علوم انسانی)

مقدمه:

با توجه به لزوم تغییر و به‌روزرسانی منابع آموزشی در نظام آموزش و پرورش و به منظور تسهیل آموزش زبان عربی در مقطع متوسطه و کاربردی نمودن آن، گروه تألیف کتاب درسی عربی به تدوین کتابی جدید اقدام کرد که بتواند با محوریت مهارت‌های زبانی و تمرکز بیشتر بر روی فهم متون عربی و مکالمه آن، دانش‌آموزان پایه متوسطه اول و دوم را در راه رسیدن به این هدف یاری رساند.

مؤلف این سطور نیز در این نوشتار سعی دارد تا با توجه به همین اهداف و با بیانی ساده و قابل فهم برای دانش‌آموز، موضوعات مطرح شده در کتاب عربی دهم را به دانش‌آموزان عزیز ارائه دهد.

در این نوشتار قصد داریم به دو حوزه گرامر و واژه‌آموزی در متن پردازیم. بنابراین در هر درس، ابتدا به گرامر مربوطه خواهیم پرداخت؛ زیرا بر این باوریم که این قواعد در مرحله ترجمه جملات به کار گرفته می‌شوند. سپس در مرحله دوم به بررسی هر یک از موضوعات در جملات مختلف می‌پردازیم.

@tizhooshan_10

نعمت اله مقصودی

@ostadline

مکزی زبان و ادبیات عربی

موضوع الدرس: مراجعة دروس الصف السابع والثامن والتاسع: مرور درس‌های کلاس هفتم، هشتم و نهم.

مهم‌ترین موضوعاتی که در این قسمت بررسی می‌شود عبارتند از:

۱- انواع فعل در زبان عربی ۲- کاربرد اعداد شمارشی و ترتیبی

انواع فعل در زبان عربی:

فعل در زبان عربی بر اساس زمان به سه نوع تقسیم می‌شود: ۱- ماضی ۲- مضارع ۳- امر^۱

۱- فعل ماضی (گذشته): بیانگر انجام کاری یا پدیدآمدن حالتی در زمان گذشته است. مثال:

انجام کار ← نَصَرَ: یاری کرد پدیدآمدن حالت ← شَجَع: شجاع شد

علامت‌های فعل ماضی:

۱- ضمائر پیوسته فاعلی^۲ (شناسه‌های فعل در زبان فارسی):

صیغه‌های مفرد		صیغه‌های جمع	
م: تُ	نَصَرْتُ: کمک کردم	یم: نا	نَصَرْنَا: کمک کردیم
ی: تَ - تِ	نَصَرْتَ - نَصَرْتِ: کمک کردی	ید: تُمَا - تُم - تُنَّ	نَصَرْتُمَا - نَصَرْتُمْ - نَصَرْتُنَّ: کمک کردیم
-: بدون ضمیر	نَصَرَ - نَصَرَتْ: کمک کرد	ند: ا - و - نَ	نَصَرُوا - نَصَرَتَا - نَصَرْنَ: کمک کردند

۱ - با توجه به اینکه فعل نھی، همان امر منفی و فعل آینده همان مضارع است که فقط (س و سوف) با ابتدای آن افزوده می‌شود، به شکل مجزا جزء

تقسیم‌بندی انواع فعل به حساب نمی‌آیند.

۲ - این ضمائر غالباً فاعل فعل هستند.

۲- اگر فعلی در زبان عربی علامت (ت) داشته باشد، حتما ماضی است: ذَهَبْتُ - كَتَبْتُ.....

اکنون به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱. الْمُعَلَّمُ صَفَّهُ. □ دَخَلَ □ دَخَلْتُ
۲. الطُّفْلَةُ مَعَ صَدِيقَاتِهَا. □ لَعِبْتُ □ لَعِبَتْ
۳. أَنَا الْمَحْصُولَ. □ حَصَدْتُ □ حَصَدَ
۴. أَنْتِ الشَّجَرَةَ. □ صَعِدْتُ □ صَعَدَ
۵. أَنْتِ جَوَّالِكَ؟ □ وَجَدْتُ □ وَجَدْتَ

انواع فعل ماضی:

فعل گذشته در زبان فارسی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: گذشته ساده - گذشته نقلی - گذشته استمراری - گذشته بعید. در زبان عربی چنین نامگذاری‌هایی برای فعل ماضی وجود ندارد، ولی ساختارهایی وجود دارد که معادل معنایی این زمان‌هاست.

۱- ماضی ساده: این فعل بیانگر کاری است در گذشته انجام شده و ارتباط آن با زمان حال قطع شده است: یاری کرد - نوشت..... این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

أ) ماضی ساده مثبت: ریشه فعل + ضمیر پیوسته یا پنهان.

مثال: نَصَرَ - كَتَبْتُ.....

ب) ماضی ساده منفی: ما + فعل ماضی / لم + فعل مضارع.

مثال: ما نَصَرَ - ما كَتَبْتُ / لم يَنْصُرْ - لم تَكْتُبْ

● ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱. أَنَا مَا رَجَعْتُ إِلَى بَيْتِي.

- من به خانه ام باز نگشتم. من به خانه برگشتم.

۲. أَنْتَ فَعَلْتَ وَاجِبَاتِكَ.

- تو تکالیف را انجام دادی. تو تکالیف را انجام می‌دهی.

۳. أَنْتِ غَسَلْتِ مَلَابِسَكَ.

- تو لباس را شستی. تو لباس‌هایت را شستی.

۴. هُوَ لَعِبَ مَعَ صَدِيقِهِ.

- او پیش دوستش بازی می‌کند. او همراه دوستش بازی کرد.

۲- ماضی نقلی: این فعل بیانگر کاری است در گذشته انجام شده و اثرش تاکنون نیز ادامه دارد: یاری کرده است_ نوشته است - این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

(أ) ماضی نقلی مثبت: قد + فعل ماضی

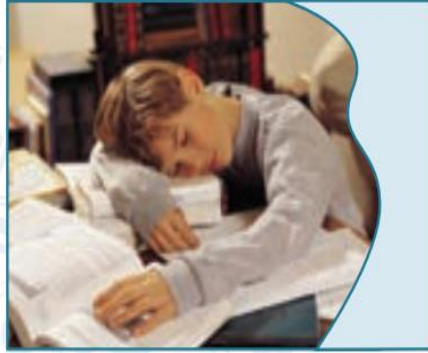
مثال: قد نَصَرَ - قد كَتَبْتُ.....

(ب) ماضی نقلی منفی: ما + فعل ماضی + بعدُ / لمَّا + فعل مضارع

مثال: ما نَصَرَ بعدُ - ما كَتَبْتُ بعدُ / لمَّا يَنْصُرُ - لمَّا تَنْصُرُ

۳- ماضی استمراری: این فعل بیانگر کاری است در گذشته به صورت مداوم و مستمر انجام می‌شده است: یاری می‌کرد - می‌نوشت.....

● بخوانید و ترجمه کنید.



كَانَ الْعُمَّالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا وَ هُمْ الْآنَ وَاقِفُونَ. كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؛ فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.

@tizhooshan_10

این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

@ostadline

(أ) ماضی استمراری مثبت: كَانَ + فعل مضارع

مثال: كَانَ يَنْصُرُ - كُنْتُ تَكْتُبُ...

(ب) ماضی استمراری منفی: مَا + كَانَ + فعل مضارع / لم + مضارع كان + فعل مضارع

مثال: مَا كَانَ يَنْصُرُ - مَا كُنْتُ تَكْتُبُ / لم يَكُنْ يَنْصُرُ - لم تَكُنْ تَكْتُبُ...

● جدول زیر را کامل کنید.

سَمِعَ	شنید	يَسْمَعُ	می‌شنود	كَانَ يَسْمَعُ	می‌شنید
أَنْقَذَ	نجات داد	يُنْقِذُ		كَانَ يُنْقِذُ	
اِسْتَعْلَا	کار کردند	يَسْتَعْلَانِ		كَانَا يَسْتَعْلَانِ	
حَاوَلُوا	تلاش کردند	يُحَاوِلُونَ		كَانُوا يُحَاوِلُونَ	
حَضَرَتَا	حاضر شدند	هُمَا تَحْضُرَانِ		كَانَتَا تَحْضُرَانِ	
سَاعَدُوا	کمک کردند	يُسَاعِدُونَ		كَانُوا يُسَاعِدُونَ	

۴- ماضی بعید: این فعل بیانگر کاری است در گذشته دور انجام شده است: یاری کرده بود - نوشته بودی...

این فعل در زبان عربی به این شکل به کار می‌رود:

أ) ماضی بعید مثبت: كان + (قَدْ) + فعل ماضی

مثال: كان (قد) نَصَرَ - كُنْتُ (قد) نَصَرْتُ....

ب) ماضی بعید منفی: ما + كان + (قَدْ) + فعل ماضی / لم + مضارع كان + فعل ماضی.

مثال: ما كان (قد) نَصَرَ - ما كُنْتُ (قد) نَصَرْتُ.... / لم يَكُنْ نَصَرَ - لم تَكُنْ تَنْصُرُ...

۲- فعل مضارع: فعلی است که بیانگر انجام کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان حال یا آینده است.

انجام کار: يَنْصَرُ: یاری می‌کند (الان یا آینده) پدید آمدن حالت: يَشْجَعُ شجاع می‌شود (الان یا آینده)

علامت‌های فعل مضارع:

۱- حروف مضارعه (ت - ی - ن - ا) در ابتدای فعل: تَعْرِفُ - يَعْرِفُ - نَعْرِفُ - أَعْرِفُ

۲- حرکات ضمه، فتحه و ساکن یا حرف (ن) در انتهای فعل:

حرکات ضمه، فتحه و ساکن: تَعْرِفُ - لم يَعْرِفُ - لن نَعْرِفُ - لا أَعْرِفُ

حرف (ن): يَعْرِفَانِ - يَعْرِفُونَ - يَعْرِفِينَ

نکته ۱: نحوه کاربرد حروف مضارعه در ابتدای فعل مضارع:

ت	در فعل‌های متناسب با ضمائی که با لفظ «أنت» شروع می‌شود و برای ضمیر (هی - هما) مونث	أنتِ تَعْرِفِ - أنتِ تَعْرِفِينَ أنتما تَعْرِفَانِ - أنتم تَعْرِفُونَ أنتنَّ تَعْرِفَنَّ هي تَعْرِفُ - هما تَعْرِفَانِ (مونث)
ي	در فعل‌های متناسب با ضمائی که با لفظ «هـ» شروع می‌شود (به غیر از ضمیر (هی - هما) مونث)	هو يَعْرِفُ - هما يَعْرِفَانِ (مذکر) هم يَعْرِفُونَ - هن يَعْرِفَنَّ
ن	در فعل متناسب با ضمیر «أنا»	أنا أَعْرِفُ
ا	در فعل متناسب با ضمیر «نحن»	نحن نَعْرِفُ

نکته ۲: نحوه کاربرد حرکت ضمه و فتحه و حرف (ن) در انتهای فعل مضارع:

ن	در فعل‌های دارای ضمیرهای پیوسته (۱ - و - ی) (مثال: هما تعرفان (مونث) - هما يعرفان (مذکر) - أنتما تعرفان - هم يعرفون - أنتم تعرفون - أنت تعرفين)
حرکت ضمه، فتحه و ساکن	در فعل‌های بدون ضمیرهای پیوسته (۱ - و - ی) (مثال: هو يعرف - هي لن تعرف - أنا لا أعرف - نحن لم نعرف)

● کدام فعل مناسب ضمیر داده شده است؟

۱. هُم : صَبَرْتُمْ عَبَرْتُنَّ عَرَفُوا عَلِمْنَا
۲. أَنْتُمْ : يَعِشُونَ تَظْلِمُونَ يَطْبُخْنَ تَضْحَكِينَ
۳. نَحْنُ : نَغْسِلُ يَغْفِرُونَ أَفْتَحُ تَفْتَحْنَ
۴. هُمَا : قَبِلْتُمَا قَرَّبْتُ قَدَرْنَا فَعَلْنَا
۵. هِيَ : تَكْتُمْنَ تَقْذِفُ يَكْذِبَانِ نَلْبَسُ

۳- فعل امر

فعلی است که بوسیله آن به شخص یا اشخاصی دستور می‌دهیم که کاری را انجام دهد. از آنجا که دستور انجام کار به شخص یا اشخاصی داده می‌شود که در حضور ما هستند، به همین علت، فعل امر از فعل‌های مضارع دوم شخص (مفرد و جمع) ساخته می‌شود.

روش ساختن فعل امر:

۱- در ابتدا حرف مضارعه (ت) را از ابتدای فعل مضارع حذف می‌کنیم. اگر بعد از این حذف، یک حرف دارای حرکت ساکن (ـَ) باقی بماند، حتماً از یک (همزه امر) برای کاربرد این فعل استفاده می‌کنیم؛ زیرا ابتدای به ساکن ممکن نیست. مثال:

تَجَلَّسُ ← اجلس تَذْهَبُ ← اذهب

اگر حرف دوم فعل (فتحه یا کسره) داشته باشد، همزه امر کسره و اگر (ضمه) داشته باشد، ضمه می‌گیرد. مثال:

تَذْهَبُ ← اِذْهَبْ تَجَلَّسُ ← اجْلِسْ تَنْصُرُ ← اَنْصُرْ

۲- آخر فعل امر نیز به این شکل تغییر می‌کند:

ضمه (ـُ) ← ساکن (ـَ): تَكْتُبُ ← اَكْتُبْ

(ن) ← حذف می‌گردد {به غیر از ضمیر جمع مونث}:

ترجعان ← ارجعوا ترجعون ← ارجعوا ترجعون ← ارجعوا اخرجون ← اخرجوا

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا صديقاتي، رجاء، اخرجن من المكتبة.



يا اصدقائي، رجاء، اخرجوا من الصف.

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ﴾ القصص ۱۶

۲. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَى وَهَارُونَ ﴿ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ ﴿ طه ۴۳

۳. ﴿ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴾ المؤمنون ۱۱۸

فعل نهي: فعلی است که بوسیله آن به شخص یا اشخاصی دستور می‌دهیم که کاری را انجام ندهد. از آنجا که دستور انجام کار به شخص یا اشخاصی داده می‌شود که در حضور ما هستند، این فعل نیز همانند فعل امر از فعل‌های مضارع دوم شخص (مفرد و جمع) ساخته می‌شود.

روش ساختن فعل نهي:

۱- حرف (لا) نهي را در ابتدای فعل مضارع قرار می‌دهیم.

۲- انتهای فعل نهي را همانند فعل امر تغییر می‌دهیم.

ضمه (ُ) ← ساکن () : تَكْتُبُ ← لا تَكْتُبُ

(ن) ← حذف می‌گردد {به غیر از ضمیر جمع مونث}:

تَرْجِعَانِ ← لا تَرْجِعَا ← تَرْجِعُونَ ← لا تَرْجِعُوا ← تَرْجِعِينَ ← لا تَرْجِعِي ← تَخْرُجْنَ ← لا تَخْرُجْنَ

« لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ

وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَىٰ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ. »

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ اجْلِسْنَ هُنَا.



لا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.



لا تَذْهَبِي مِنْ هُنَا.

فعل مُسْتَقْبَل (آینده):

فعل مستقبل بیانگر انجام کاری یا پدید آمدن حالتی است که به طور ویژه به زمان آینده اختصاص دارد. این فعل در واقع یک فعل مضارع است که با افزودن (س: آینده نزدیک - سوف: آینده دور) به ابتدای آن به زمان آینده مرتبط می‌شود. مثال:

أنا سأُتصل بك في الساعة التاسعة قريباً: من به زودی، ساعت نه با تو تماس خواهم گرفت. (آینده نزدیک)

أنا سوف أتصل بك في الأسبوع القادم: من در هفته آنده با تو تماس خواهم گرفت. (آینده دور)

اکنون با توجه به موارد مطرح شده درباره ساختار و ترجمه فعل‌ها در زبان عربی به سوالات زیر پاسخ دهید.

آیات و احادیث زیر را ترجمه کنید:

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای (دنیایت □ دنیا □) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی □ لذت میبری □) و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری □ نزدیک است بمیری □).

۲- «أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.» أمير المؤمنين علي بن أبي طالب

به آنچه گفته است (بنگر □ می نگرم □) و به آن که گفته است (ننگر □ نمی نگرم □).

۳- ﴿... لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...﴾ يوسف : ٦٧

۴- أُطْبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوِكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد در همه زبان‌ها کاربرد دارد و از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. آنچه بوسیله این اعداد شمارش می‌شود معدود نام دارد. زبان عربی نیز از این موضوع مستثنی نیست و با ظرافت و دقت خاصی به این موضوع پرداخته است. اعداد در زبان عربی با توجه به کاربردشان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- **اعداد اصلی:** برای شمارش موارد مختلف (انسان، حیوان و اشیاء) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲- **اعداد ترتیبی:** برای بیان ترتیب موارد مختلف (انسان، حیوان و اشیاء) به کار می‌روند.

الف) اعداد اصلی: این عدد به دو شکل مذکر (بدون ة) و مونث (غالباً با ة) تقسیم می‌شوند.^۱ در مقطع متوسطه اول با این اعداد آشنا شدید:

^۱ در زبان عربی به موضوع مذکر و مونث بودن عدد و معدود توجه می‌شود.

عدد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
مذکر	واحد	إثنان ^۱	ثلاث	أربع	خمس	ستّ	سبع	ثمانی	تسع	عشر	أحد عشر	إثنا عشر ^۲
مؤنث	واحدة	إثنتان	ثلاثة	أربعة	خمسة	ستّة	سبعة	ثمانیة	تسعة	عشرة	إحدى عشرة ^۳	إثنتا عشرة
ترجمه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

نکته: عدد ۱ و ۲ بعد از معدود به کار می‌روند. مثال: إشتریت کتابین إثنين: دو کتاب خریدم.

- گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۱. كَمْ أُسْبوعاً فِي الشَّهْرِ؟ عَشْرَةٌ أَرْبَعَةٌ

۲. كَمْ صَفّاً فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ؟ سِتَّةٌ اِثْنَانِ

ب) اعداد ترتیبی: این اعداد همیشه بعد از معدودشان به کار می‌روند. اعداد ترتیبی ۱۱ تا ۱۲ به این شکل است:

عدد	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
مذکر	أول	ثاني	ثالث	رابع	خامس	سادس	سابع	ثامن	تاسع	عاشر	حادي عشر	ثاني عشر
مؤنث	أولى	ثانية	ثالث	رابعة	خامسة	سادسة	سابعة	ثامنة	تاسعة	عاشرة	حادیة عشرة	ثانية عشرة

موارد کاربرد اعداد ترتیبی:

۱- ساعت خوانی: مثال: كم ساعة الآن؟ جواب: الخامسة تماماً

۲- آدرس دهی: مثال: أين بیئ السيد كاظمي؟ جواب: البيت الخامس في هذا الشارع. (خانه پنجم در این خیابان)

ساعت خوانی

ساعت خوانی در زبان عربی به یکی از این سه حالت خوانده می‌شود:

ساعت کامل: ساعت: ۵ ← الخامسة تماماً

ساعت + دقائق گذشته: ساعت: ۵:۱۵ ← الخامسة والرّبع ساعت: ۵:۳۰ ← الخامسة والنصف

۱- عدد ۲ به عنوان یک کلمه مثنی به دو شکل به کار می‌رود: إثنان - إثنان - إثنين - إثنين.

۲- جزء اول عدد ۱۲ عربی، عدد ۲ است و طبق قوانین این عدد نوشته می‌شود.

۳- جزء اول عدد ۱۱ در عربی بوسیله (ی) مونث می‌شود.

ساعت - دقايق مانده: ساعت: ٤:٤٥ ← الخامسة إلا رُباعا

ترجمه كنيد.

الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً : الْعَاشِرَةَ وَالرُّبْعُ :
الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً : الْوَاحِدَةَ وَالنِّصْفُ :

نعمت الله مقصودی

موضوع الدرس: الأعداد من الواحد إلى المئة (اعداد یک تا صد)

در این درس به موضوع اعداد به طور مفصل‌تری می‌پردازیم. قبلاً یادگرفتیم که اعداد با توجه به کاربردشان به دو گروه اساسی تقسیم می‌شوند:

۱- اعدادی که برای شمارش استفاده می‌شوند ← اعداد اصلی (شمارشی)

۲- اعدادی که برای بیان ترتیب استفاده می‌شوند ← اعداد ترتیبی

در سال‌های گذشته از هر دو گروه عدد در زبان عربی، با معادل اعداد ۱ تا ۱۲ و کاربرد آنها آشنا شدیم. در این درس قصد داریم که معادل اعداد اصلی و ترتیبی ۱۳ تا ۱۰۰ را یاد بگیریم.

عدد (اصلی - ترتیبی) در زبان عربی از لحاظ ساختاری به انواعی تقسیم می‌شود:

۱- اعداد مفرد: به اعدادی گفته می‌شود که دارای ساختار تک‌جزیی اند. این اعداد شامل: ۱ تا ۱۰ و صد، میلیون و میلیارد می‌شود. معادل این اعداد در جدول زیر بیان شده است:

اعداد اصلی ۱ تا ۱۰

عدد	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده
مذکر	واحد	إثنان ^۱	ثلاث	أربع	خمس	ست	سبع	ثمانی	تسع	عشر
مؤنث	واحدة	إثنتان	ثلاثة	أربعة	خمسة	ستة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة

اعداد ترتیبی ۱ تا ۱۰

عدد	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم
مذکر	أول	ثاني	ثالث	رابع	خامس	سادس	سابع	ثامن	تاسع	عاشر
مؤنث	أولى	ثانية	ثالث	رابعة	خامسة	سادسة	سابعة	ثامنة	تاسعة	عاشرة

۱ - عدد ۲ به عنوان یک کلمه مثنی به دو شکل به کار می‌رود: إثنان - إثنتان - إثنين - إثنین.

نکته ۱: عدد ۱ و ۲ به عنوان صفت و به منظور تأکید بعد از معدود خود می آیند؛ زیرا هر اسم مفردی بر یک بودن و هر اسم مثنایی بر دو بودن دلالت می کند.

مثال:

اشتریت کتابینِ اثنینِ من المعرض: دو کتاب از نمایشگاه خریدم.

لی مقالتانِ اثنانِ فی هذه المجلة العلمية: من دو مقاله در این مجله علمی دارم.

۲- اعداد مرکب: به اعداد ۱۱ تا ۱۹ که به صورت ترکیبی به کار می روند عدد مرکب می گویند.

اعداد اصلی ۱۱ تا ۱۹

عدد	یازده	دوازده	سیزده	چهارده	پانزده	شانزده	هفده	هجده	نوزده
مذکر	أحد	إثنا	ثلاث	أربع	خمس	ستّ	سبع	ثماني	تسع
	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر
مؤنث	إحدى	إثنتا	ثلاثة	أربعة	خمسة	ستّة	سبعة	ثمانية	تسعة
	عشرة ^۱	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة

فی هذا الصف أحد عشر طالباً: در این کلاس یازده دانشجو وجود دارد.

كان لي خمسة عشرة زميلة في الصف العاشر: من در کلاس دهم پانزده همکلاسی داشتم.

اعداد ترتیبی ۱۱ تا ۱۹

عدد	یازدهم	دوازدهم	سیزدهم	چهاردهم	پانزدهم	شانزدهم	هفدهم	هجدهم	نوزدهم
مذکر	حادي	ثاني	ثالث	رابع	خامس	سادس	سابع	ثامن	تاسع
	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر	عشر
مؤنث	حادية	ثانية	ثالثة	رابعة	خامسة	سادسة	سابعة	ثامنة	تاسعة
	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة	عشرة

۱- جزء اول عدد ۱۱ در عربی بوسیله (ی) مونث می شود.

۳- اعداد عقود: به اعدادی گفته می‌شود که از عدد ۲۰ به بعد به صورت دسته ده‌تایی شمرده می‌شوند. این اعداد مانند اسم جمع مذکر سالم با (وَنَ - یَنَ) به کار می‌روند.

عدد	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
معادل	عشرون	ثلاثون	أربعون	خمسون	ستون	سبعون	ثمانون	تسعون
	عشرین	ثلاثین	أربعین	خمسين	ستین	سبعین	ثمانین	تسعين

جاء عشرون رجلاً إلى هذه الحفلة: بیست مرد به این جشن آمدند.

أدرّس لثلاثين طالباً في المدرسة: برای سی دانش‌آموز در مدرسه تدریس می‌کنم.

۴- اعداد معطوف: این اعداد مانند اعداد مرکب از دو جزء ساخته می‌شوند، با این تفاوت که دو جزء آن با حرف عطف «واو» به هم ربط داده می‌شود. یکان این اعداد (۱ تا ۱۰) و دهگان‌شان اعداد عقود است و شامل اعداد ۲۱ تا ۹۹ می‌گردد (به غیر از اعداد عقود). مثال:

۲۱ ← احدى عشرون ۳۷ ← سبعة وثلاثين ۸۵ ← خمسة وثمانون

با دقت در معادل عربی این اعداد متوجه می‌شویم که در خواندن و نوشتن این اعداد، ابتدا یکان و سپس دهگان

@tizhooshan_10
@ostadline

خوانده و نوشته می شود. مثال:

۷۵: هفتاد و پنج ← سبعة وسبعون

۹۸: نود و هشت ← ثمانية وتسعون

اکنون به سوالات زیر پاسخ دهید:

$$۱۰ \times ۳ = ۳۰$$

۱- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.

۲- تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

۳- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

جدول زیر را کامل کنید:

.....	أَرْبَعَةٌ عَشْرَ	ثَلَاثَةٌ عَشْرَ	أَحَدَ عَشْرَ
عِشْرُونَ	ثَمَانِيَةٌ عَشْرَ	سَبْعَةٌ عَشْرَ
.....	أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ	اِثْنَانِ وَ عِشْرُونَ	وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ
ثَلَاثُونَ	تِسْعَةٌ وَ عِشْرُونَ	ثَمَانِيَةٌ وَ عِشْرُونَ	سِتَّةٌ وَ عِشْرُونَ

فَنُ التَّرْجَمَةِ

با فعل های «قام، جاء و أتى» و معنای آنها آشنا شدید. قام: ایستاد، جاء و أتى: آمد. این فعل ها فعل های ناگذرند و نیازی به مفعول ندارند. اما معنی این فعل ها در صورتی که با حرف «بِ» به کار روند، تغییر میکند و به صورت فعل گذار (نیازمند به مفعول) ترجمه می شوند:

قام: ایستاد ← قام بـ: انجام داد، اقدام کرد. مثال:

قام أخي بتلوين الصور: برادرم به رنگ آمیزی تصاویر پرداخت / تصاویر را رنگ آمیزی کرد.

جاء و أتى: آمد ← جاء - أتى بـ: آورد. مثال:

جاء صديقي المضيف بالطعام لنا: دوست مهمان نوازم برایمان غذا آورد.

أنا سوف آتي بالكتاب غداً: من فردا کتاب را خواهم آورد.

آیات زیر را ترجمه کنید:

۱- ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ غافر: ۲۵

۲- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾ الروم: ۴۷

نعمت اله مقصودی

موضوع الدرس: أشكال الفعل (١)

به این فعل‌های زیر توجه کنید



گروه ٢	گروه ١
أَخْرَجَ: بیرون کرد	خَرَجَ: خارج شد
عَلَّمَ: آموزش داد	عَلِمَ: دانست
انكسَرَ: شکسته شد	كسَرَ: شکست
اشغَلَ: به کار گرفت	شغَلَ: مشغول کرد
تَكَاتَبَ: نامه‌نگاری کرد	كَتَبَ: نوشت
تَحَمَّلَ: به عهده گرفت	حَمَلَ: به دوش کشید
إِسْتَفْزَرَ: آمرزش خواست	عَفَرَ: آمرزید

١- ریشه فعل‌های گروه ١ و ٢ چند حرفی است؟

٢- در گروه ٢ به غیر از حروف اصلی ریشه فعل چه حرف یا حروف دیگری را مشاهده می‌کنید؟

٣- چه تفاوتی در ترجمه این دو گروه فعل ملاحظه می‌کنید؟

می‌بینیم که:

١- ریشه فعل هر دو گروه ٣ حرفی (ثلاثی) است.

٢- در گروه ٢، حرف یا حروف زائدی (مزید) بر حروف اصلی وجود دارد.

٣- با تغییر فعل‌های گروه ١ به ٢، در ترجمه آنها نیز تغییراتی به وجود آمد.

فعل‌های سه‌حرفی در زبان عربی به دو شکل دیده می‌شوند:

- ۱- فعل‌هایی که صیغه اول شخص مفرد ماضیشان، فقط سه حرف دارند و به آنها **ثلاثی مجرد** گفته می‌شود.
- ۲- فعل‌هایی که صیغه اول شخص مفرد ماضیشان، بیش از سه حرف دارند و به آنها **ثلاثی مزید** گفته می‌شود.

نکته ۱: معیار تشخیص حروف اصلی یا زائد یک فعل، صیغه اول شخص مفرد ماضی آن فعل است. برای به‌دست آوردن این صیغه از فعل، می‌توان هر حرفی به غیر از سه حرف اصلی را از ابتدا و انتهای آن فعل حذف نمود تا سه حرف اصلی نمایان شود. مثال:

فعل ثلاثی مجرد	فعل ثلاثی مزید	حرف زائد
خرجتم ← خرج	أَخْرَجْتُمْ ← أَخْرَجَ	أ
عَلِمْتُ عَلِمَ	عَلَّمْتُ عَلَّمَ	تکرار عین الفعل
كَسَرْنَا كَسَرَ	إِنْكَسَرْتُمْ إِنْكَسَرَ	إ - ن
يَشْعَلُونَ شَعَلَ	يَشْتَعِلُونَ اشْتَعَلَ	إ - ت
تَكْتَبِينَ كَتَبَ	تَكْتَابُ تَكَاتَبَ	ت - ا
حَمَلْتُ حَمَلَ	تَحَمَّلْتُ تَحَمَّلَ	ت - تکرار عین الفعل
عَفَرْتُ عَفَرَ	تَسْتَعْفِرُونَ اسْتَعْفَرَ	إ - س - ت

ملاحظه کردید که با این روش، می‌توان به راحتی به صیغه اول شخص مفرد ماضی یک فعل رسید و به این شکل ثلاثی مجرد یا مزید بودن آن فعل را تعیین کرد. ولی در مورد فعل‌هایی که حرف همزه ماضی آنها در مضارعشان حذف می‌شود، به مشکل برمی‌خوریم و به راحتی نمی‌توانیم از مضارع این افعال، به همزه ماضی آنها پی ببریم. لازم است که در اینجا راه دقیق و علمی تشخیص فعل‌های ثلاثی مزید از مجرد را یاد بگیریم.

نکته ۲: راه دقیق و علمی تشخیص فعل‌های ثلاثی مزید، شناخت وزن‌های معروف آنها است. این وزن‌ها در مجموعه‌هایی به ما معرفی شده است که باید آنها را به خاطر بسپاریم تا با شنیدن و دیدن این وزن‌ها، فعل‌های مزید را تشخیص دهیم.

آشنایی با اوزان (وزن‌ها) ثلاثی مزید.

برای یادگیری این وزن‌ها، هر یک از آنها را در مجموعه‌ای با نام مشخص به شما معرفی می‌کنیم و شما هم با الگوبرداری، فعل‌های مشابه را تکرار کنید.

۱- استفعال

← ماضی: **إِسْتَفْعَلُ** - **إِسْتَعْفَرُ** - **إِسْتَخْرَجَ** - **إِسْتَحْدَمَ** - **إِسْتَرْجَعَ** - **إِسْتَعْمَرَ**

← مضارع: **يَسْتَفْعِلُ** - **يَسْتَعْفِرُ** - **يَسْتَخْرِجُ** - - -

← امر: **اسْتَفْعِلْ** - **اسْتَعْفِرْ** - **اسْتَخْرِجْ** - - -

← مصدر: **اسْتِفْعَالٌ** - **اسْتِعْفَارٌ** - **اسْتِخْرَاجٌ** - - -

نکته ترجمه ۱: فعل‌ها و مصادر دارای این وزن، غالباً بیانگر مفهوم درخواست هستند. مثال:

إِسْتَعْفِرُ رَبِّيَّ : از پروردگارت آمرزش بخواه.

هم **يَسْتَرْجِعُونَ** کتبهم : آنها کتابهایشان را پس می‌گیرند.

۲- إفتعال

← ماضی: **إِفْتَعَلَ** - **إِشْتَعَلَ** - **اجْتَمَعَ** - **إِحْتَرَمَ** - **إِحْتَفَلَ** - **إِفْتَحَرَ**

← مضارع: **يِفْتَعِلُ** - **يَشْتَعِلُ** - **يَجْتَمِعُ** - - -

← امر: **إِفْتَعِلْ** - **اشْتَعِلْ** - **اجْتَمِعْ** - - -

← مصدر: **إِفْتِعَالٌ** - **إِشْتِعَالٌ** - **اجْتِمَاعٌ** - - -

۳- إنفعال

← ماضی: **انْفَعَلَ** - **انْقَلَبَ** - **انصرفت** - **انبسط** - **انكشفت** - **انقطع**

← مضارع: **يَنْفَعِلُ** - **يَنْقَلِبُ** - **يَنْصَرِفُ** - - -

أمر ← **إِنْفَعِلْ**: إِنْقَلَبَ - إِنْصَرَفَ - -..... -.....

مصدر ← **إِنْفَعَال**: إِنْقِلَاب - إِنْصِرَاف -..... -..... -.....

نکته ترجمه: فعل‌ها و مصادر سه مجموعه (افعال - انفعال -) ، غالباً به صورت فعل ناگذر (بدون نیاز به مفعول) ترجمه می‌شوند. مثال:

التلاميذُ يجتمعون في الصف: دانش‌آموزان در کلاس گرد هم می‌آیند.

أنتم إنصرفتم عن عملكم: شما از کارتان کناره‌گیری کردید.

٤- تَفَعَّلْ

ماضي ← **تَفَعَّلَ**: تَنَزَّلَ - تَشَكَّرَ - تَحَمَّلَ - تَقَبَّلَ - تَفَضَّلَ

مضارع ← **يَتَفَعَّلُ**: يَتَنَزَّلُ - يَتَشَكَّرُ -..... -..... -.....

أمر ← **تَفَعَّلْ**: تَنَزَّلْ - تَشَكَّرْ -..... -..... -.....

مصدر ← **تَفَعُّلٌ**: تَنَزُّلٌ - تَشَكُّرٌ -..... -..... -.....

@tizhooshan_10

اکنون با تمرین و تکرار وزن‌های بالا، می‌توانید فعل‌های مشابه را به کار ببرید.

@ostadline

ترجم الأفعال التالية.

ماضي	مضارع	امر	مصدر
إِسْتَعْفَرَ:	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتَغْفِرُ:	اسْتِغْفَار: آمرزش خواستن
إِعْتَذَرَ:	يَعْتَذِرُ:	اعْتَذِرُ:	إِعْتِذَار: عذر خواستن
انْقَطَعَ:	يَنْقَطِعُ:	انْقَطِعُ:	انْقِطَاع: قطع شدن
تَكَلَّمَ:	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمُ:	تَكَلُّم: صحبت کردن

ترجمه جمل هذه الجداول.

الجدول الأول: اِمْتَنِعَ ، يَمْتَنِعُ «امتناع : خودداری کردن»

هؤلاء اِمتنعوا.	أنا اِمتنعُ.	يا زميلاتي، هل اِمتنعنَّ؟	يا حبيبي، اِمتنعُ.	إخوتي لا يَمتنعونَ.

الجدول الثاني: اِسْتَغْفَرَ ، يَسْتَغْفِرُ «اِسْتِغْفَار : آمرزش خواستن»

هل اِسْتَغْفَرْتُ؟	الْمُؤْمِنُ يَسْتَغْفِرُ.	نَحْنُ اِسْتَغْفَرْنَا.	اِسْتَغْفِرُ رَبَّكَ.	أَلَا تَسْتَغْفِرُ أَنْتَ؟

الجدول الثالث: اِنْقَطَعَ ، يَنْقَطِعُ «اِنْقِطَاع : قطع شدن»

اِنْقَطَعَتِ الْكَهْرَبَاءُ.	اِنْقَطِعْ يَا مَطَرُ.	لَا تَنْقَطِعْ يَا مَطَرُ.	لَا يَنْقَطِعُ رَجَائِي.	اَلشَّجَرَتَانِ مَا اِنْقَطَعَا.

الجدول الرابع: تَعَلَّمَ ، يَتَعَلَّمُ «تَعَلُّم : یاد گرفتن»

زُمَلَائِي تَعَلَّمُوا.	نَحْنُ تَعَلَّمْنَا.	تَعَلَّمْ يَا صَدِيقِي.	أَأَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ؟	تَعَلَّمُوا أَنْتُمْ.

در جای خالی فعل مناسب قرار دهید:

اِغْفِرْ اِسْتَغْفِرْ

نَخْرُجْ نَتَخَرَّجْ

قَطَعَ اِنْقَطَعَ

يَنْتَظِرُ يَنْظُرُ

اِسْتَلَمْنَا سَلِمْنَا

۱- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ..... لِذَنبِكَ﴾ اَلْغَاوِرُ: ۵۵

۲- اِن شَاءَ اللَّهُ سَوْفَ كُنَّا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ.

۳- اِلٰهِي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ اَنْتَ رَجَائِي.

۴- كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ اِلَى الْبَيْتِ.

۵- اَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرَ الْاِنْتَرْنِتِ.

موضوع الدرس: أشكال الأفعال ٢

در این درس به بررسی ٤ مجموعه دیگر از وزن های فعل های ثلاثی مزید می پردازیم:

٥- تفاعل

ماضی ← تفاعل: تعایش - تنازع - تکاتب - هاجم - تفاخر

مضارع ← يتفاعل: يتعایش - يتنازع --.....-.....

أمر ← تفاعل: تعایش - تنازع --.....-.....

مصدر ← تفاعل: تعایش - تنازع --.....-.....

نکته ترجمه: فعل ها و مصادر دارای این وزن، غالباً بیانگر مفهوم مشارکت دو طرفه هستند. مثال:

تکاتب علی و صدیقه عبر الإنترنت: علی و دوستش از طریق اینترنت با هم نامه نگاری کردند.

يتعامل علی و صدیقه في الشؤون المختلفة: علی و دوستش در کارهای مختلف با هم داد و ستد می کنند.

٦- مُفاعلة

ماضی ← فاعل: کاتب - دافع - شارك - هاجم - سابق

مضارع ← يُفاعل: يُکاتب - يُدافع --.....-.....

أمر ← فاعل: کاتب - دافع --.....-.....

مصدر ← مُفاعلة: مُکاتبه - مُدافعة --.....-.....

نکته ترجمه: فعل ها و مصادر دارای این وزن، غالباً بیانگر مفهوم مشارکت یکطرفه هستند. مثال:

کاتب علی صدیقه عبر الإنترنت: علی با دوستش از طریق اینترنت نامه نگاری کرد.

يُشارك علی صدیقه في الشؤون المختلفة: علی با دوستش در کارهای مختلف مشارکت می کند.

۷- افعال

ماضی ← أَفْعَلُ: أَرْشَدَ - أَكْرَمَ - أَحْسَنَ - أَجْلَسَ - أَرْسَلَ

مضارع ← يُفْعِلُ: يُرْشِدُ - يُكْرِمُ --.....-.....

أمر ← أَفْعِلْ: أَرْشِدْ - أَكْرِمْ --.....-.....

مصدر ← اِفْعَالُ: إرشاد - إكرام --.....-.....

توجه کنید:

همزه امر فعل‌های این مجموعه، همیشه مفتوح (ـِ) است. زیرا اگر طبق قاعده گذشته و مانند سایر فعل‌ها مکسور (ـِ) گردد، با امر فعل‌های ثلاثی مجرد اشتباه می‌شود.

۸- تفعیل

ماضی ← فَعَّلَ: عَلَّمَ - كَرَّمَ - فَرَّحَ - عَدَّلَ - نَزَّلَ

مضارع ← يُفَعِّلُ: يُعَلِّمُ - يُكْرِّمُ --.....-.....

أمر ← فَعِّلْ: عَلِّمْ - كَرِّمْ --.....-.....

مصدر ← تَفْعِيلُ: تعليم - تكريم --.....-.....

نکته ترجمه: فعل‌ها و مصادر دو مجموعه (إفعال - تفعیل)، غالباً گذرا (نیازمند به مفعول) هستند. مثال:

فَرَّحَ الطَّالِبُ الْمُجْتَهِدُ وَالِدَهُ بِسَبَبِ نَجَاحِهِ فِي الْامْتِحَانِ: دانشجوی موفق به سبب موفقیتش در امتحان، پدرش را خوشحال نمود.

نَحْنُ قُمْنَا بِتَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ الْإِنْتَرْنِتِ: ما کتاب را از اینترنت گرفتیم (دانلود کردیم).

ترجم الأفعال.

ماضي	مضارع	امر	مصدر
تَعَامَلُ:	يَتَعَامَلُ:	تَعَامَلْ:	تَعَامَلُ: داد و ستد کردن
عَلَّمَ:	يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيمُ: یاد دادن
كَاتَبَ:	يُكَاتِبُ:	كَاتِبْ:	مُكَاتَبَةٌ: نامه نگاری کردن
أَدْخَلَ:	يُدْخِلُ:	أَدْخِلْ:	إِدْخَالُ: داخل کردن

ترجم جمل هذه الجداول.

الجدول الأول: تَعَارَفَ ، يَتَعَارَفُ ، تَعَارَفُ : باهم آشنا شدن

الزُّمْلَاءُ تَعَارَفُوا.	الطُّلُبَاتُ يَتَعَارَفْنَ.	أَنْتُمْ سَتَتَعَارَفُونَ.	نَحْنُ مَا تَعَارَفْنَا.	أَأَنْتُمْ تَعَارَفْتُمْ؟

الجدول الثاني: نَزَلَ ، يُنْزِلُ ، تَنْزِيلُ : پایین آوردن

أَنَا سَوْفَ أَنْزِلُ.	الْعَمَالُ مَا نَزَلُوا شَيْئًا.	أَأَنْتُمْ نَزَلْتُمْ أَمْ هُمْ نَزَلُوا؟	رَجَاءٌ نَزَلْنَا الْأَطْفَالَ.

الجدول الثالث: دَافَعَ ، يُدَافِعُ ، مُدَافَعَةٌ : دفاع کردن

الْجُنُودُ يُدَافِعُونَ.	إِنَّهُ لَا يُدَافِعُ.	هُمْ دَافَعُوا.	دَافِعٌ عَنِ نَفْسِكَ.	يَا جُنُودُ، دَافِعُوا.

الجدول الرابع: أَجْلَسَ ، يُجْلِسُ ، إِجْلَاسٌ : نشانیدن

هُمْ أَجْلَسُوا الْأَطْفَالَ.	الْأُمَّهَاتُ يُجْلِسْنَ الْأَوْلَادَ.	إِنَّهُ قَامَ بِإِجْلَاسِ الْحَاضِرِينَ.	رَجَاءٌ أَجْلَسُوا الضُّيُوفَ.

- ۱- الْمَاضِي مِنْ «يُحَاوِلُ» : تَحَوَّلَ حَوَّلَ حَاوَلَ
- ۲- الْمُضَارِعُ مِنْ «حَذَرُ» : يُحَذِرُ يَحَذِرُ يُحَذِّرُ
- ۳- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ» : تَقَاعُدَ تَقْعِيدَ إِقْعَادَ
- ۴- الْأَمْرُ مِنْ «تُدْخِلِينَ» : ادْخُلِي ادْخِلِي تَدَخَّلِي
- ۵- النَّهْيُ مِنْ «تُقَبِّلُونَ» : لا تُقَابِلُوا لا تُقَبِّلُوا لا تُقَبَّلُوا

موضوع الدرس: الجملة الفعلية والجملة الاسمية

با نگاهی به جملات در زبان عربی می بینیم که با یکی از این دو نوع کلمه شروع می شود: ۱- اسم ۲- فعل

با توجه به همین موضوع، جملات را به دو گروه تقسیم می کنند: ۱- جمله اسمیه ۲- جمله فعلیه

۱- جمله اسمیه: جمله‌ای است که با اسم شروع می شود و از دو رکن اساسی تشکیل می گردد:

۱- مبتدا (نهاد): اسمی که در ابتدای جمله اسمیه قرار می گیرد و جمله با آن آغاز می شود. مثال:

الطالب يجتهد في أعماله: دانش آموز در کارهایش تلاش می کند.

طالب الصف يأخذ كتاباً من المكتبة: دانش آموز کلاس کتابی را از کتابخانه می گیرد.

طالبٌ مجتهدٌ نجح في الامتحان: دانش آموز تلاشگری در امتحان قبول شد.

۲- خبر (گزاره): کلمه یا کلماتی (اسم - فعل) است که با وجود آنها معنای جمله کامل می شود و اصطلاحاً خبری را درباره مبتدا ارئه می دهد. مثال:

الفلاح المجدُّ يزرعُ أشجار التفاح: کشاورز کوشا درختان سیب را می کارد.

ثمرة العلم إخلاص العمل: ثمره دانش اخلاص در کردار است.

النجاح في الصدق: رهایی در راستگویی است.

نکته ۱: خبر همیشه بلافاصله بعد از مبتدا نمی آید. پس بهترین راه تشخیص خبر، توجه به ترجمه جمله است تا ببینیم با کدام کلمه یا کلمات، معنای جمله کامل می شود. در حقیقت، اگر خبر از جمله حذف شود، مفهوم جمله ناقص می گردد. مثال:

النجاح في حياة الإنسان لا يحصل بدون الاجتهاد: موفقیت در زندگی انسان بدون تلاش به دست نمی آید.

نکته ۲: مبتدا و خبر ارکان جمله اسمیه هستند و می توانند به کلمه‌ای اضافه شوند (مضاف باشند) و یا به وسیله کلمه‌ای توصیف گردند (صفت داشته باشند).

مضاف: سید القوم خادمهم في السفر

صفت: المعلم المشفق يدرّس للتلاميذ

۲- جمله فعلیه: جمله‌ای است که با فعل (ماضی - مضارع - امر - نهی) شروع می‌شود. واضح است که برای انجام یا تحقق هر فعلی به انجام‌دهنده یا فاعل نیازمندیم. فعل‌های گذارا، علاوه بر فاعل به مفعول هم نیازمند است. بنابراین ارکان جمله فعلیه عبارتند از:

فعل (ناگذر) + فاعل: لا تتحرك عين البومة: چشم جغد حرکت نمی‌کند.

فعل (گذرا) + فاعل + مفعول: تُحوّل الأسماء المضيئة ظلام البحر إلى نهارٍ مُضيء: ماهی‌های نورانی تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کنند.

مبتدا و خبر را در جملات زیر مشخص کنید:

۱- التَّدمُ عَلَى السُّكوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدمِ عَلَى الكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲- أكبرُ الحُمقِ الإغراقُ في المَدحِ وَ المَدَمُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- ذَنبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَ أَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فعل، فاعل و مفعول را در عبارتهای زیر مشخص کنید:

﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ أَلْفَتْح: ۲۶

﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ۴۹

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ﴾ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾ الْأَحْزَاب: ۲۲

فُنُ التَّرْجَمَةِ

گاهی از اوقات، فعل مضارع تحت تأثیر کلماتی قرار می‌گیرد که قبل از آن وارد می‌شوند. این تغییر در دو زمینه ساختار و ترجمه این فعل اتفاق می‌افتد. حرف «أن» یکی از آن کلماتی است که بر لفظ و معنای فعل مضارع تأثیر می‌گذارد و آن را از مضارع اخباری به مضارع التزامی تبدیل می‌کند. مثال:

﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ آلتور: ۲۲ آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامرزد؟

ملاحظه می کنید که فعل «أن يغفر» به صورت مضارع التزامی ترجمه شد. به چند مثال دیگر هم توجه کنید.

يَغْفِرُ: می آمرزد	أَنْ يَغْفِرَ: که ببامرزد	يَسْتَفِيدُ: بهره می برد	أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد
يَفْهَمُ: می فهمد	أَنْ يَفْهَمَ: که بفهمد	يُدِيرُ: می چرخاند	أَنْ يُدِيرَ: که بچرخاند

به فارسی ترجمه کنید.

۱- ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ یس: ۸۱

۲- ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ الأنعام: ۳۷

۳- ﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ الأعراف: ۱۱۰

موضوع الدرس: فعل مجهول

در تمام زبان‌ها برای انجام یا تحقق هر فعلی به انجام‌دهنده یا فاعلی نیازمندیم. اما گاهی و بنا به عواملی (مشخص بودن فاعل، عدم تمایل در ذکر فاعل و...)، از ذکر فاعل در جمله خودداری می‌کنیم. به این ترتیب، فعل به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱- فعل معلوم: فعلی که فاعلش در جمله ذکر شده باشد: خَلَقَ اللهُ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا: خدا انسان را ضعیف آفرید.

۲- فعل مجهول: فعلی که فاعلش در جمله ذکر نشده نباشد: خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا: انسان ضعیف آفریده شد.

با دقت بر دو این مثال و ترجمه آنها به تغییراتی در جمله مجهول پی می‌بریم:

الف) حذف فاعل ب) جاننشینی مفعول به جای فاعل در جمله و هماهنگی فعل با آن ج) تغییر ساختار فعل

دو مورد (الف و ب) در زبان عربی و فارسی مشترک هستند، اما تغییر فعل معلوم به مجهول در این دو زبان با هم تفاوت دارد؛

- زبان فارسی: ریشه فعل + پسوند (ه) + فعل (شد) آفریده شد.

- زبان عربی: تغییر حرکات فعل

چگونه فعل عربی را به مجهول تبدیل کنیم؟

۱- فعل ماضی: حرف دوم ریشه فعل (نه حرف دوم فعل) را مکسور (ـِ) و تمام حروف متحرک (به غیر از حروف ساکن) قبل از آن را مضموم (ـُ) می‌کنیم:

خَلَقَ ← خُلِقَ أُرْشِدَ ← يُرْشَدُ اِسْتَعَلَّ ← يُسْتَعَلَّ اِسْتُخْرِجَ ← يُسْتَخْرَجُ

۲- فعل مضارع: حرف دوم ریشه فعل (نه حرف دوم فعل) را مفتوح (ـَ) و فقط حرف مضارعه را مضموم (ـُ) می‌کنیم:

يَخْلُقُ ← خُلِقَ يُرْشِدُ ← يُرْشَدُ يُسْتَعَلُّ ← يُسْتَعَلَّ يُسْتَخْرِجُ ← يُسْتَخْرَجُ

خودآزمایی ۱: آیات زیر را به فارسی ترجمه و سپس فعل مجهول را مشخص کنید.

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ الْغَاشِيَةِ: ۱۷

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَنِ: ۵۵

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ الْبَقَرَةِ: ۱۸۳

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَةِ: ۱۸۵

خودآزمایی ۲: فعل‌های جدول را ترجمه کنید.

تَنْصُرُونَ:	تُنصَرُونَ:	فُتِحَ:	فُتِحَ:
يُشَاهِدُونَ:	يُشَاهَدُونَ:	يُخْرَجُ:	يُخْرَجُ:
يُخَرَّبُ:	يُخَرَّبُ:	أُسْتُخْدَمَ:	أُسْتُخْدَمَ:

فَنُ التَّرْجَمَةِ

در سال گذشته با ترکیب‌های اضافی - وصفی در زبان عربی آشنا شدیم و به تفاوت آن با زبان فارسی پی بردیم؛ یادگرفتیم که صفت در ترکیب‌های اضافی - وصفی عربی بعد از مضاف الیه ، ولی در فارسی قبل از مضاف الیه قرار می‌گیرد. مثال:

شَجَعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ أَمْسَ: دیروز تیم برنده‌مان را تشویق کردیم.

أَشْتَغَلُ فِي مَزْرَعَتِنَا الْكَبِيرَةِ كُلَّ يَوْمٍ: هر روز در کشتزار بزرگمان کار می‌کنم.

ملاحظه می‌کنید که کلمه سوم (صفت) در ترکیب‌های اضافی - وصفی، همواره با (ال) به کار می‌رود. اکنون به مثال‌های زیر توجه و آنها را با هم مقایسه کنید:

۱- حقیبة سعيد الجميلة: کیف زیبای سعید حقیبة سعيد جميلة: کیف سعید زیباست.

۲- أعماله الصالحة: کارهای زیبای او أعماله صالحة: کارهای او زیباست.

۳- صديقي المجتهد: دوست تلاشگر صديقي مجتهد: دوست تلاشگر است.

نتیجه: تا زمانی چندین کلماتی را به صورت ترکیب اضافی - وصفی ترجمه می‌کنیم که اسم سوم (صفت) به همراه (ال) باشد. اگر این اسم، بدون (ال) باشد، صفت نیست و خبر جمله محسوب می‌شود و در ترجمه با فعل (است) همراه می‌گردد.

خودآزمایی: آیات زیر را به فارسی ترجمه و سپس موصوف و صفت را مشخص کنید.

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ الْوَاقِعَةَ: ۹

﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ يُونُسَ: ۲۴

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

موضوع الدرس: الجار والمجرور

جملات در هر زبانی از دو بخش تشکیل می‌شوند:

1- ارکان اساسی - قیدها و متممها

در درس قبلی با انواع جمله و ارکان آنها و برخی قیدها مانند مضاف الیه، صفت آشنا شدیم. قصد داریم در این درس

درباره متمم‌ها در زبان عربی صحبت کنیم. به این جمله توجه کنید:

دانش‌آموزان به کلاس رفتند: ذهب التلاميذ إلى الصف.

در زبان فارسی، «به» حرف اضافه و «کلاس» متمم و «به کلاس» گروه متمم نامیده می‌شود. معادل این دو کلمه در زبان عربی، «إلى الصف» است. گروه متمم را در زبان عربی «جار و مجرور» می‌نامند.

به هر یک حروف «مِنْ، فِي، إِلَى، عَلَى، لِ، عَنْ، كَ» در زبان عربی «جار: حرف جر» و به اسم بعد از آن «مجرور» و به هر دو کلمه با هم، «جار و مجرور» گفته می‌شود. جار و مجرور باعث کامل‌تر شدن معنای جمله می‌شوند، ولی از جمله قابل حذف هستند. مثال:

مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ

معانی حروف جر		
مِنْ	از	﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲ تا اتفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)
		﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان: ۲۱ دست‌بندهایی از جنس نقره
فِي	در	﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ الْبَقَرَة: ۲۹ او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

إلى	به	﴿ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ ﴾ الإسراء: ١ گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنیات بنگر.»
	به سوی	﴿ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ﴾ الإسراء: ١ پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.
	تا	كَانَ الْفَلَاخُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. كَشَاوِرْزِ از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.
علی	بر	النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.
	روی	الْحَقِيبَةُ عَلَى الْمِنْضَدَةِ. کیف روی میز است.
بِـ	به وسیله	﴿ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴾ العلق: ٣ و ٤ بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم آموخت.
	در	﴿ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ ﴾ آل عمران: ١٢٣ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.
لِـ	داشتن	لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هر گناهی جز بد اخلاقی توبه دارد.
	از آن	﴿ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ ﴾ الكافرون: ٦ دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.
	برای	لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.
عَنْ	از	﴿ وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴾ الشورى: ٢٥ او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و آنچه را انجام می‌دهید؛ می‌داند.
	درباره	﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ... ﴾ البقرة: ١٨٦ و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

ک	مانند	فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خود است.
---	-------	---

نکته ۱: گاهی اوقات از جار و مجرور به عنوان خبر در جمله استفاده می‌شود و از جمله قابل حذف نیست. مثال:

النَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ: رهایی در راستگویی است. جار و مجرور = خبر

﴿سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ﴾: سلامت زندگی در مهربانی (با مردم) است. جار و مجرور = خبر

نکته ۲: گاهی اوقات، خبر جار و مجرور با هدف تأکید بر یک موضوع، قبل از مبتدا قرار می‌گیرد. مثال:

فِي التَّأخِيرِ آفَاتٌ: (قطعاً) آسیب‌هایی در به عقب انداختن (کار) وجود دارد.

فِي الصَّدَاقَةِ نَجَاةٌ: (بدون شک)، رهایی در راستگویی است.

نونُ الْوَقَايَةِ

یک قاعده کلی در زبان عربی به نام تناسب حروف «و - ا - ی» با حرکت قبل وجود دارد که باید رعایت شود؛

(و) (ا) (ی)

به هنگام اتصال یک فعل به ضمیر (ی) مفعولی نیز باید این تناسب وجود داشته باشد. اما این نکته را بدانید که هیچ فعلی در زبان عربی مجرور (ـِ) نمی‌شود. بنابراین برای جلوگیری از این اتفاق و محافظت فعل از مجرور شدن، قبل از ضمیر (ی) از یک حرف (ن) کمک می‌گیریم. به همین علت به این حرف «نون وقایة» گفته می‌شود.

مثال:

هُوَ نَصْرِي فِي إِدَاءِ وَاجِبَاتِ الْمَدْرَسَةِ: دوستم مرا در انجام تکالیف مدرسه یاری کرد.

هل أنت تعرفني؟: آیا مرا می‌شناسی؟

هم یحترمونی: آنها به من احترام می‌گذارند.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ.

١- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم: ٤٠

٢- اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

نعمت الہ مقصودی

موضوع الدرس: اسم الفاعل، واسم المفعول، واسم المبالغة

برخی از اسم‌ها در زبان عربی از فعل ساخته می‌شوند و هر کدام به نوعی در ارتباط با فعل هستند. سه مورد از این اسم‌ها عبارتند از: اسم فاعل - اسم مفعول - اسم مبالغه

۱- اسم فاعل: اسمی است که به انجام‌دهنده کار اشاره می‌کند و در زبان فارسی به صفت فاعلی شناخته می‌شود.

صفت فاعلی عبارت است از: ریشه فعل + پسوند (نده - گر - ا). مثال:

نوشتن ← نویسنده یاری کردن ← یاریگر دانستن ← دانا

اسم فاعل در زبان عربی از دو نوع فعل (ثلاثی مجرد و مزید) ساخته شود:

اسم فاعل ثلاثی مجرد: بر وزن (فاعل) به کار می‌رود. مثال:

کَتَبَ ← کاتب: نویسنده نَصَرَ ← ناصر: یاریگر عَلِمَ ← عالم: دانا

اسم فاعل ثلاثی مزید: با «مُ» شروع می‌شود و یک حرف مانده به آخر ریشه فعل، کسره (ِ) می‌گیرد. مثال:

يُعَلِّمُ ← مُعَلِّم: آموزش‌دهنده اقْتَرَحَ ← مُقْتَرِح: پیشنهاددهنده يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلِّم: یادگیرنده

۲- اسم مفعول: اسمی است که به انجام‌شده کار اشاره می‌کند و در زبان فارسی به صفت مفعولی شناخته می‌شود.

صفت مفعولی عبارت است از: ریشه فعل + ه + شده. مثال:

نوشتن ← نوشته شده یاری کردن ← یاری شده دانستن ← دانسته شده

اسم مفعول هم در زبان عربی از دو نوع فعل (ثلاثی مجرد و مزید) ساخته شود:

اسم مفعول ثلاثی مجرد: بر وزن (مفعول) به کار می‌رود. مثال:

کَتَبَ ← مکتوب: نوشته شده نَصَرَ ← منصور: یاری شده عَلِمَ ← معلوم: دانسته شده

اسم فاعلِ ثلاثی مزید: با «مُ» شروع می‌شود و یک حرف مانده به آخر ریشه فعل، فتحه (ـِ) می‌گیرد. مثال:

يُعَلِّمُ ← مُعَلِّمٌ: آموزش داده شده اقتَرَحَ ← مُقْتَرِحٌ: پیشنهاد داده شده يَتَعَلَّمُ ← مُتَعَلِّمٌ: یادگرفته شده

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

اسْمُ الْمَفْعُولِ	اسْمُ الْفَاعِلِ	الترجمة	الكلمة
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يُعَلِّمُ : یاد می‌دهد مُعَلِّمٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يَعْلَمُ : می‌داند عَالِمٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	اِقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد مُقْتَرِحٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يُجَهِّزُ : آماده می‌کند مُجَهِّزٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ضَرَبَ : زد مَضْرُوبٌ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	يَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد مُتَعَلِّمٌ

۳- اسم مبالغه: «مبالغه» در لغت به معنای «افراط و زیاده‌روی» است. این اسم بیانگر «زیاد بودن یک صفت» و در فارسی دارای پیشوند «بسیار» است. این اسم در زبان عربی بر دو وزن به کار می‌رود:

۱- فَعَالٌ: غَفَّارٌ: بسیار آمرزنده عَالِمٌ: بسیار دانا صَبَّارٌ: بسیار شکیبا

۲- فَعَالَةٌ: عَلَّامَةٌ: بسیار دانا فَهَّامَةٌ: بسیار فهمیده أَمَّارَةٌ: بسیار فرمان‌دهنده

نکته مهم

گاهی وزن «فَعَالٌ» و «فَعَالَةٌ» بر شغل دلالت می‌کند؛ مانند خَبَّاز (نانوا)؛ حَدَّاد (آهنگر)

گاهی نیز بر ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می‌کند؛ مانند

فَتَّاحَةٌ (در بازکن)؛ نَظَّارَةٌ (عینک)؛ سَيَّارَةٌ (خودرو)

کلمات بالا در دو حالت (دلالت بر شغل و ابزار، وسیله یا دستگاه) اسم مبالغه به

شمار نمی‌رود.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ.

.....	﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾:	﴿أَمَارَةٌ بِالسَّوِّءِ﴾:
.....	﴿مَا أَنَا بِظَلَامٍ﴾:	﴿الْخَلْقُ الْعَلِيمُ﴾:
.....	﴿هُوَ كَذَّابٌ﴾:	﴿حَمَالَةَ الْحَطْبِ﴾:
.....	يَا عَفَّارَ الدُّنُوبِ:	﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾:
.....	الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ:	يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ:
.....	الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ:	مَيْثَمُ التَّمَّارِ:
.....	فَتَّاحَةُ الزُّجَاجَةِ:	رَسَامُ الصُّوْرِ:

تمرین ۱: کلمات جدول زیر را ترجمه کنید.

.....	حَارِس	مَرْفُوع	دَافِع
.....	مُقَلَّد	مُصَدِّق	مَجْمُوع
.....	عَفَّار	مُعْتَمَد	مُسَافِر
.....	صَيَّاد	حَمَال	رَسَام

تمرین ۲: احادیث زیر را ترجمه و سپس اسم فاعل و مفعول را مشخص کنید.

عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

كَانَتْ الْعِلْمُ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

زعمت الہ مقصودی